

## تحلیل جغرافیایی منابع تهدید ملی در ایران

دکتر حمیدرضا محمدی\* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

ابراهیم رومینا - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

ندیمه سلیم‌نژاد - مدرس مراکز تربیت معلم

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۲۴

### چکیده

کشورها با تهدیدات و مخاطراتی مواجه هستند که بسته به شدت و اندازه آنها، توان چالش‌سازی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی را دارند. تهدیدات انسان‌ساخت و تهدیدات طبیعی در فضای جغرافیایی ساز و کارهایی را ایجاد می‌کنند که کارکرد حکومت را از مسیر طبیعی آن خارج می‌نماید. نابرابری در توزیع فرصتها موجب عدم تعادل منطقه‌ای در ایران شده است. این عدم تعادل منطقه‌ای بر تمام روابط انسانی تأثیرگذار بوده و موجب شکل‌گیری منابع تهدید شده است. از سوی دیگر محیط طبیعی ایران نیز با تهدیداتی مواجه می‌باشد که در مقاطع مختلف زمانی چالش‌هایی را در سطح محلی و ملی در ایران بوجود آورده است.

در این پژوهش تهدیدات بر مبنای عوامل انسان‌ساخت و طبیعی تقسیم‌شده است. تهدیدات بر مبنای عوامل انسانی شامل: متغیرهای جمعیتی، قومی، مذهبی، چالش‌های سیاسی، نابرابری اقتصادی و غیره است و تهدیدات طبیعت‌ساخت عناصر فیزیکی محیط شامل: سیل، زلزله، خشکسالی، تغییرات آب و هوایی، بهمن، و غیره می‌باشد. گونه‌شناسی منابع تهدید بر اساس تقسیم‌بندی فوق با استفاده از داده‌های آماری در محیط GIS مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی‌های صورت‌گرفته نشان‌دهنده تعدد و تنوع تهدیدات می‌باشد که در هر نوع سازماندهی سیاسی فضا می‌بایست مورد ملاحظه قرار گیرد.

این پژوهش با مطالعه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های آماری در نقشه‌های طراحی شده، به گونه‌شناسی منابع تهدید داخلی در فضای جغرافیای ایران می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: منابع تهدید، سازماندهی سیاسی فضا، تهدیدات طبیعی، تهدیدات انسان‌ساخت، ایران.

## طرح مسأله

مخاطرات طبیعی و توزیع امکانات و فرصتهای نابرابر، منابع تهدید در ایران را بوجود می‌آورد. برآیند منابع تهدید ایجاد چالش در بعد محلی، ملی و حتی بین‌المللی است. این چالش‌ها موجب عدم رشد و توسعه مناطق و یا رشد و توسعه مناطق خاصی از ایران می‌شود که نتیجه آن گسترش بی‌قاعده مناطق خاصی از کشور بویژه در حواشی شهرها، شکل‌گیری معضلات اجتماعی، مهاجرت منطقه‌ای، تمرکزگرایی، تخلیه روستاها، تورم و به هدر رفتن سرمایه کشور و ... است. شناخت منابع تهدید در سازماندهی سیاسی فضا در ایران تاکنون مورد توجه جدی و علمی قرار نگرفته و اصولاً سازماندهی‌های سیاسی فضا بدون مطالعه امنیت‌محور مورد نظر بوده است.

## سوال اصلی

هدف از این پژوهش بررسی منابع تهدید در فضای جغرافیایی ایران می‌باشد بر این اساس سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: منابع تهدید داخلی در فضای جغرافیایی ایران چه مواردی می‌باشند؟

## مقدمه

کشورها به تعداد واحدهای مشخصی تقسیم می‌گردند که ناشی از ساختار اجرایی، سیاسی و تاریخی آنها و همچنین توان تأثیرگذاری در کسب قابلیت‌ها آنها است. میزان نقش‌آفرینی هر یک از این متغیرها در سازماندهی سیاسی فضا متفاوت می‌باشد (Short, 1982: 130). معمولاً در یک کشور محیطهای جغرافیایی از تنوع و گستردگی بسیاری برخوردار است، افراد و جوامع ساکن در مکان‌های گوناگون، فرصت‌های مختلفی دارند و طبیعت ساختارهای سیاسی که بوجود می‌آیند، تأثیرات عمیقی بر توزیع مجدد منابع دارند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۴۷). جابجایی مستمر انسان و سرمایه از بخشهای در حال انحطاط به بخشهایی که چشم‌اندازهای مساعدی دارند، بخشهای در حال انحطاط را در مسیر پرشتاب قرار می‌دهد. از سوی دیگر بخش‌های جذب‌کننده در طی زمان با انباشت بی‌رویه و ناکارایی مدیریت خود بوجود آورنده تهدیدات گسترده ملی خواهند شد. سازماندهی سیاسی فضا که شبکه ارتباطات درونی فضا را مورد مطالعه قرار می‌دهد به توسعه

منطقه‌ای، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان هویت می‌بخشد تا بر پایه روندهای ایجاد شده، بهره‌برداری عقلانی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه متعادل و موزون کشور و مناطق هدایت گردد. در واقع سازمان‌دهی سیاسی فضا در بعد ملی عبارت است از تقسیم فضا به منظور نقش‌پذیری سیاسی که در قالب توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، توسعه سرزمین، تقسیمات سرزمینی و غیره با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی (ملی و منطقه‌ای) و نیازهای سنجیده و منطقی جامعه و اقتصاد در صدد برقراری تعادل و توازن زیست-محیطی و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمینی است (احمدی‌پور، ۱۳۸۷).

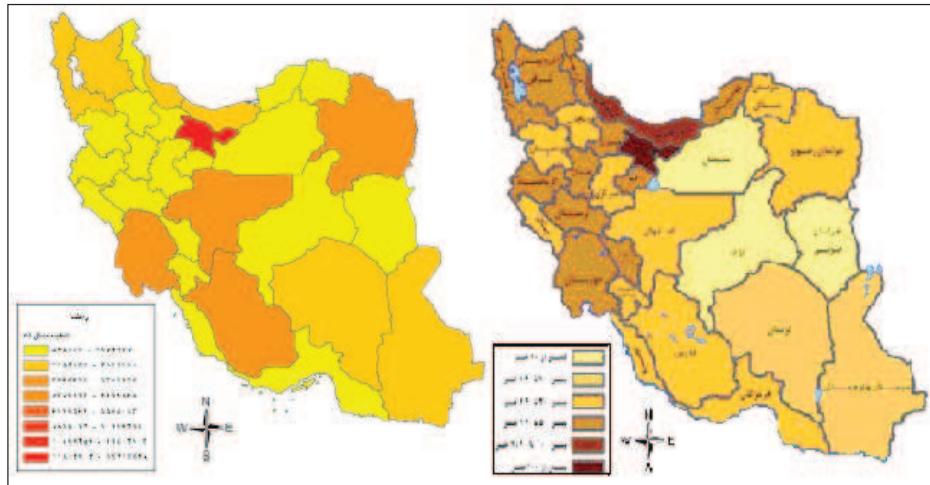
تهدید به آن دسته از خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌گردد که ارزش‌های حیاتی یک کشور را از جمله تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، نظام حاکم و نهادهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی، فرهنگ و افتخارات ملی را به خطر می‌اندازد (چگینی، ۱۳۷۳: ۱۴). در هر نوع سازماندهی می‌بایست منابع تهدید کالبدشکافی شده و بر اساس روندهای موجود به سازماندهی سیاسی فضا پرداخت. منابع تهدید در واحدهای سیاسی موانع سازماندهی فضا می‌باشند و هر نوع سازماندهی بدون در نظر گرفتن این منابع، واحدهای سیاسی را با چالش مواجه می‌نماید (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۴: ۷-۱۲). در این پژوهش تهدیدات داخلی بر اساس منابع آن به دو بخش تقسیم شده است که در ذیل گونه‌های مختلف آنها آورده خواهد شد.

در این پژوهش منابع تهدید در فضای جغرافیایی ایران با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های آماری این پژوهش از منابع رسمی اخذ شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین این داده‌ها آماری در محیط GIS تبدیل به نقشه شده و در حقیقت این داده‌ها از این طریق بر روی نقشه ارزش‌گذاری شده‌اند.

### الف) تهدیدات انسان ساخت

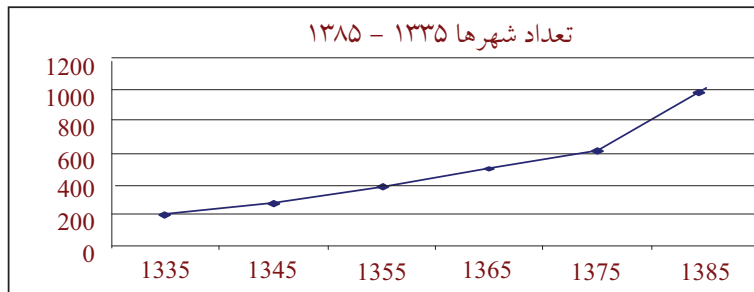
۱. ابعاد جمعیتی: جمعیت رابطه تنگاتنگی با توسعه دارد و روند توسعه، جهت گیری و میزان آن، تابعی از کم و کیف جمعیت است. افزایش جمعیت، حجم نیازهای مادی و معنوی جامعه را افزایش می دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۱۵). داده های جمعیتی ایران در سالهای آماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس این داده ها منابع و مسائل ناشی از آن استخراج گردید و در نقشه ها و نمودارهای متعدد آورده شده است. تبعات و مسائل رشد جمعیت در ایران عبارتند از:

- مسائل ناشی از پخش جمعیت و پراکندگی جغرافیایی نامتناسب آن (نقشه شماره ۱ و ۲)؛
- مسائل ناشی از پخش نامتعادل بنیادهای زیستی نظیر آب، خاک، فضا، اقلیم، منابع طبیعی در طبیعت و فشار جمعیت بر آنها (نقشه شماره ۳)؛
- مسائل ناشی از پخش نامتعادل فرصت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (نمودار شماره ۳)؛
- افزایش تعداد شهرها (نمودار ۱) و در نتیجه تبعات مالی، اجتماعی، اقتصادی ناشی از آن؛
- افزایش جمعیت شهری (نمودار شماره ۲) و مسائل ناشی از آن؛
- کاهش جمعیت روستایی (نمودار شماره ۲) و مسائل ناشی از آن؛
- رشد نامتوازن هرمهای جمعیتی؛
- رشد تعداد بیکاران (گرچه درصد بیکاری در آمارهای اخیر کاهش یافته است، لیکن به دلیل رشد جمعیت تعداد بیکاران افزایش یافته است).

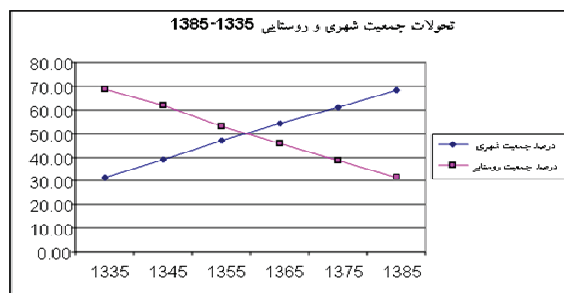


نقشه شماره ۱: تراکم جمعیت بر حسب استان (۱۳۸۵) نقشه شماره ۲: پراکندگی جمعیت ایران (۱۳۸۵)

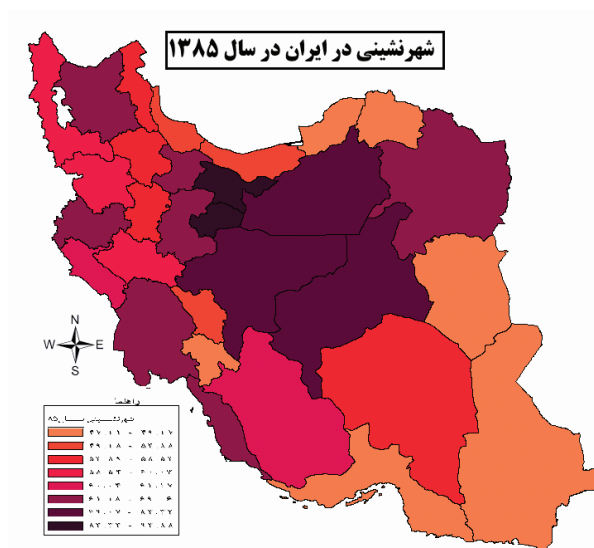
منبع داده‌های نقشه ۱۳۸۵: <http://www.sci.org.ir>



نمودار شماره ۱: افزایش تعداد شهرها بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

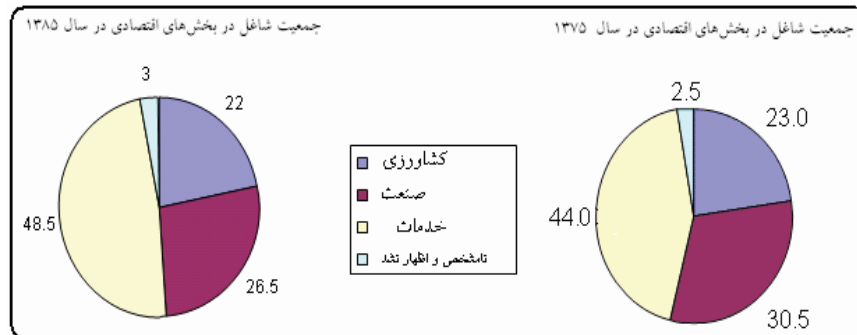


نمودار شماره ۲: تغییرات جمعیت شهری و روستایی ایران بین سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵



نقشه شماره ۳: پراکندگی جمعیت شهری بر حسب استان

منبع داده‌های نقشه شهرنشینی ۱۳۸۵: <http://www.sci.org.ir>



نمودار شماره ۳: توزیع جمعیت شاغل بر حسب بخش‌های اقتصادی طی سالهای ۸۵-۱۳۷۵  
منبع: مرکز آمار ایران، نتایج اولیه سرشماری کل کشور ۱۳۸۵

۲. **ناحیه‌گرایی قومی:** مرکز‌گرایی قومی مقوله‌ای است جدا از هر نوع اعتراض و شورش. خواسته‌های حقوقی اقلیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود که عبارت است از: درخواست فرصت‌های کاملاً برابر در دسترسی به آموزش، منابع اقتصادی، تسهیلات فرهنگی و نهادهای سیاسی به موازات حذف تبعیض مبتنی بر قومیت، نژاد، فرهنگ یا مذهب. دوم درخواست حق حمایت ویژه در برخورداری از منابع و بهره‌مندی بیشتر از سرمایه و بودجه حکومت به منظور تقویت فرهنگ اقلیت‌ها (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۷) که در صورت عدم برآورده شدن این خواسته پتانسیل تهدید در بین آنها شکل می‌گیرد.

انگیزه‌ها، اهداف، اراده و خواست اقوام تشکیل‌دهنده ایران طی روندی طولانی‌مدت و یا از طریق ایفای نقش تاریخی قابل تشخیص است. گرچه تحولات اقتصادی و سیاسی جهانی، منطقه‌ای و ملی بر هدف‌های ناحیه‌گرایی و تغییر جهت آنها مؤثرند، اما برخی عوامل ثابت یا نسبتاً ثابت به عنوان ذخیره پایه‌ای و محرک همیشگی ناحیه‌گرایی عمل می‌نمایند. هدف‌ها و مقاصد واقعی نیروهای ناحیه‌گرا، اغلب به هنگام بحران‌های ملی آشکار می‌گردد. هرگاه حکومت مرکزی در حالت اقتدار بوده است، بر نیروهای ناحیه‌گرا و مرکز‌گرایز غلبه کرده و بالعکس، هرگاه حکومت مرکزی دچار ضعف شده است، نیروهای مرکز‌گرایز و ناحیه‌گرا فعال شده و با ایجاد تشکیلات سیاسی-اداری محلی و منطقه‌ای نوعی حکومت خودگردان محلی

را موقتاً تاسیس کرده‌اند. ناحیه‌گرایی واحدهای قومی از نگاه حکومت مرکزی عامل تهدیدکننده امنیت ملی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۴ و ۱۵۵). گرچه ملت یکدست در کشوری واحد در جهان کنونی وجود ندارد. لیکن تهدید قومی تابعی از تعداد اقوام و خواسته‌های متفاوت مورد نظر آنان در ارتباط با حکومت مرکزی است. عوامل ناحیه‌گرایی اقوام در ایران را با توجه به متغیرهای دخیل می‌توان در جدول شماره ۱ نشان داد.

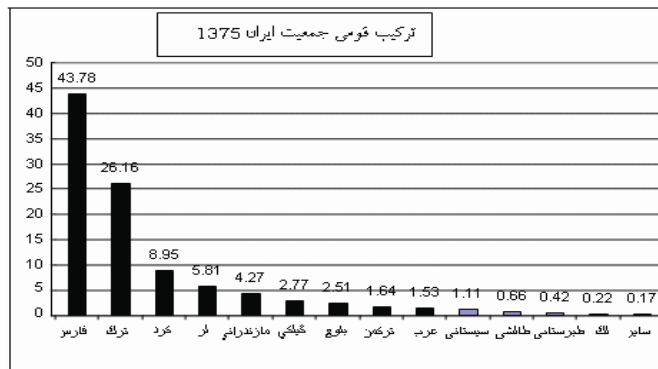
جدول شماره ۱: وضعیت گروه‌های قومی مختلف در ایران

میزان فعالیت گسست	عامل فعالیت	وضعیت اقتصادی	مذهب	آرایش جمعیتی	همسایگان	حوزه سکونت	جمعیت (میلیون نفر)	گروه قومی
کم	زبان	نسبتاً خوب	شیعه	پراکنده	ترکیه - آذربایجان	اردبیل - آذربایجان غربی و شرقی	۲۵	ترک
متوسط	زبان و دین	متوسط به پایین	شیعه	نیمه متمرکز سنی	عراق و ترکیه	کردستان، شمال خراسان، کرمانشاه، همدان، آذربایجان غربی	۴-۵	کرد
کم	زبان و نژاد	متوسط	شیعه	متمرکز	عراق	خوزستان	۱	عرب
متوسط	دین و اقتصاد	خیلی پایین	سنی	متمرکز	پاکستان و افغانستان	سیستان و بلوچستان	۲	بلوچ
خیلی کم	زبان - مذهب	متوسط	سنی	متمرکز	ترکمنستان	گلستان	۱	ترکمن

منبع: (فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، افتخاری، ۱۳۷۸)

تعدد و تکثر واحدهای قومی در ایران با تفاوت در متغیرهای زبانی، مذهبی، نژادی و فرهنگی در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است.





نمودار شماره ۴: ترکیب قومی در ایران، منبع: (افروغ و رضوانی، ۱۳۷۹: ۲۰)

بررسی نقشه پراکندگی اقوام (نقشه شماره ۴) در ایران نشان می‌دهد که فارس‌ها در اکثر نقاط کشور پراکنده‌اند لیکن تمرکز اصلی آنها در مناطق مرکزی است. اقلیتهای قومی نیز در نواحی مرزی کشور زندگی می‌کنند. نقشه منابع تهدید قومی نشان‌دهنده پنج منبع مهم تهدیدکننده در محیط پیرامونی ایران است که با علایق قومی، محیط داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و عبارتند از:

۱. **شمال غرب ایران:** در ترکیب ملت ایران پس از فارس‌ها، آذربایجان در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و ادامه آن به استان‌های زنجان، قزوین و همدان گسترش یافته است. آذربایجان در طول تاریخ در تداوم حکومت در ایران نقش بنیادی داشته‌اند و در قرن ۱۶ هسته تکوین ایران جدید بوده‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۴۲) اما با ظهور قوم‌گرایی‌های نوین در سده اخیر و سوء استفاده نخبگان قومی از شرایط شکل گرفته در منطقه آذری‌نشین ایران بویژه پس از استقلال جمهوری‌های شوروی که در طول تاریخ خود جزئی از هویت ایرانی بوده تهدیداتی را متوجه این مناطق نموده است. مناطق آذری‌نشین تنها در خصیصه زبان با دیگر مناطق ایران تفاوت دارند و در بقیه خصیصه‌ها با هویت غالب ایران دارای اشتراک می‌باشند. همین عامل موج تحریکات کشورهای منطقه را از جمله آذربایجان و ترکیه موجب گشته است.

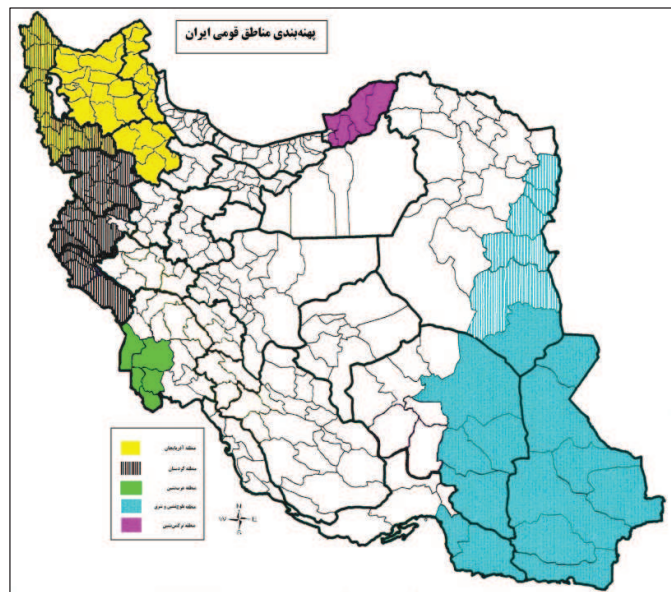
۲. **غرب ایران:** در مرزهای غربی ایران اقوام کرد ساکن هستند. اقوام کرد نیز بخش از هویت ایرانی می‌باشند که در خصیصه زبانی - مذهبی از دیگر بخش‌های ایران مستقل می‌باشند. این اقوام در بسیاری از مناطق کوهستانی ایران، عراق، ترکیه، سوریه و بخش‌هایی از ارمنستان و آذربایجان سکونت دارند که تنها در عراق پس از سقوط صدام حسین موفق به داشتن هویتی نیمه‌مستقل بنام حکومت خودمختار کردستان گردیده‌اند. گرچه احساس تعلق قوم کرد به هویت کلان‌تر ایرانی می‌تواند (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۶۲) به عنوان پتانسیل مثبت در جهت همگرایی با حکومت مرکزی ایران قرار گیرد لیکن شکافهای زبانی، قومی و مذهبی با کمک محرومیت‌های نسبی اعمال شده در این مناطق موجب انباشت مرکزگرایی است.

۳. **ترکمن صحرا:** ترکمن‌های ایران در استان گلستان و بخشی از استان خراسان شمالی ساکن هستند. قلمرو فضایی قوم ترکمن‌ها از شرق دریای مازندران آغاز و به سمت آسیای مرکزی گسترش می‌یابد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۸). ترکمن‌های ایران در سه خصیصه زبان، نژاد و مذهب از بخش مرکزی ایران متمایزند و بالعکس با کشور ترکمنستان در این سه خصیصه مشترک می‌باشند. انعکاس تهدید این بخش از کشور را در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ پس از انقلاب ایران در دوره‌گذار سیاسی و در قالب جنبش خلق ترکمن می‌توان مشاهده نمود.

۴. **شرق و جنوب شرقی ایران:** از شرق بندرعباس تا بخش‌های جنوبی خراسان رضوی در امتداد مرزهای شرقی از مناطق محروم ایران به شمار می‌روند که در برخی از خصیصه‌ها به صورت منقطع و پراکنده با بخش مرکزی دارای تفاوت می‌باشند. از جمله این خصیصه‌ها، مذهب و قومیت می‌باشد که به همراه فقدان زیرساخت‌های مناسب توسعه و فضاهای سیاست‌زده موجود موجب گشته پتانسیل‌های ناحیه‌گرایی را تقویت نماید. نخبگان قومی، کشورهای فرامنطقه‌ای و وجود اقلیت‌های آن سوی مرز عوامل تقویت گریز از مرکز این بخش‌ها می‌باشند. از سوی دیگر قرار گرفتن فضای گسترده کویری و فاصله جغرافیایی این منطقه، موقعیت کاملاً حاشیه‌ای به آن داده است. مسائل فوق موجب شده است تا بلوچها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند و در تحولات بزرگ

جامعه ایران نقش قابل توجهی به عهده نگینند (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۹۳).

۵. جنوب غرب ایران: جنوب غرب ایران در سده‌های اخیر به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی خود و در قرن اخیر به دلیل کشف منابع نفت و گاز از اهمیت جهانی برخوردار شد. چهره انسانی این منطقه بویژه در بخش‌های منتهی‌الیه جنوب غرب، با سکونت اقوام عرب همراه است که دارای هویت زبانی، قومی و نژادی متفاوت با مناطق مرکزی و اشتراک این خصیصه‌ها با کشورهای عرب جنوب غرب آسیا است. این ویژگیها در یک قرن اخیر موجب دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با همراهی نخبگان قومی در امور سیاسی ایران در این بخش‌ها شده است. بازنمایی این رفتار در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۸۴ می‌توان یافت.

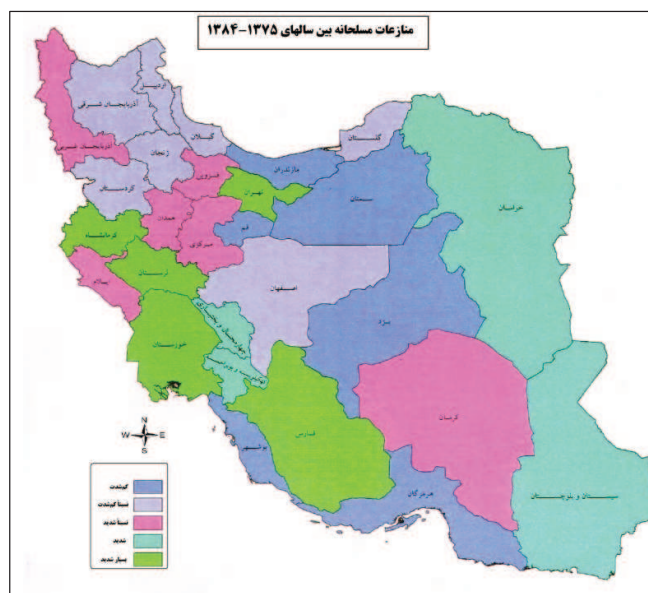


نقشه شماره ۴: مناطق قومی در ایران

منبع: (تلفیق: حافظ‌نیا ۱۳۸۱: ۱۵۳ و کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۷ و رومینا، ۱۳۸۲: ۲۰۲)

۳. **تهدیدات اجتماعی - سیاسی در ایران: مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی ثبات و آرامش ملت را به مخاطره انداخته و به شکل حاد آن موجب بروز تهدیداتی می‌شود که مشروعیت نظام سیاسی را به چالش می‌کشد.** خشونت‌های سیاسی در ایران همچون منازعات مسلحانه و مسائل اجتماعی همچون اعتیاد، نارضایتی‌های سیاسی از طریق آشوب، توطئه و اعتصابات به صورت نقشه بر حسب استان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ نشان داده شده است.

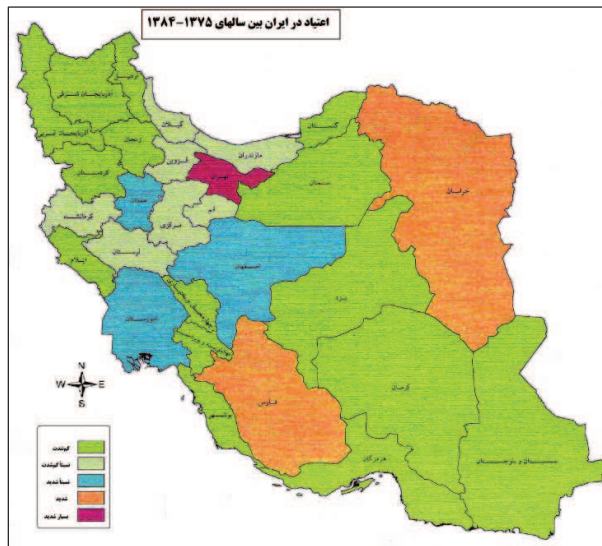
۳-۱- **منازعات مسلحانه:** پهنه‌بندی منازعات مسلحانه در ایران با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ در نقشه شماره ۵ نشان می‌دهد که تهران، خوزستان، کرمانشاه، لرستان و فارس دارای بالاترین آمار هستند سپس استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد قرار دارند. استان‌های سمنان، مازندران، قم، یزد، هرمزگان و بوشهر نیز دارای کمترین منازعات مسلحانه‌اند و استان‌های گلستان، اصفهان، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، زنجان، کردستان در حد متوسط قرار دارند.



نقشه شماره ۵: نزاع مسلحانه در ایران بر حسب استان، بین سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۴

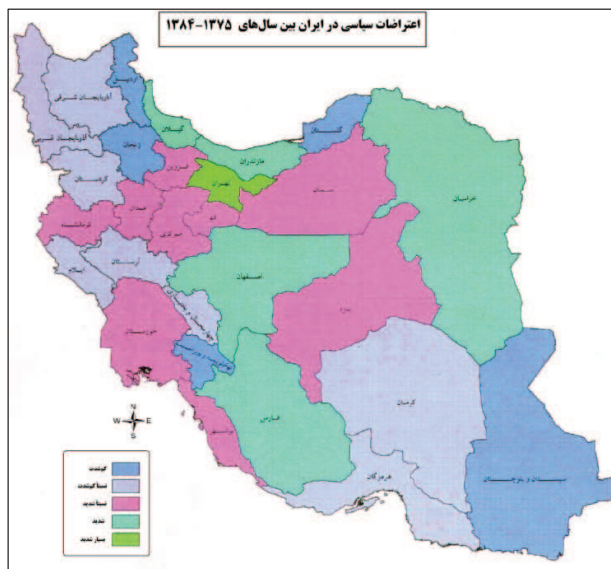
منبع داده‌ها: (وزارت کشور، ۱۳۸۳ و معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵)

۳-۲- **اعتیاد:** بررسی نقشه اعتیاد در ایران با استفاده از داده‌های آماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ در نقشه شماره ۶ نشان می‌دهد که استان تهران دارای بالاترین آمار اعتیاد در کشور است. استان‌های خراسان و فارس پس از استان تهران دارای بالاترین آمار اعتیاد در کشور می‌باشند. استان‌های خوزستان، اصفهان و همدان دارای آمار متوسطی از نظر اعتیاد بوده و استان‌های گلستان، سمنان، یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل و زنجان دارای کمترین آمار اعتیاد در کشور می‌باشند. از بین استان‌های شرقی کشور که مبادی ورودی مواد مخدر کشور می‌باشند، تنها استان خراسان دارای اعتیاد در حد بالایی می‌باشد و استان سیستان و بلوچستان از این میزان برخوردار نمی‌باشد.



نقشه شماره ۶: آمار اعتیاد در کشور بر حسب استان در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴  
 منبع داده‌ها: (وزارت کشور، ۱۳۸۳ و معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵)

۳-۳- اعتراضات سیاسی: اعتراضات سیاسی با استفاده از داده‌های آماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ در نقشه شماره ۷ نشان می‌دهد که استان تهران دارای بالاترین آمار از این نظر می‌باشد. در سطح بعدی استان‌های خراسان، اصفهان، فارس، مازندران و گیلان دارای بالاترین آمار اعتراضات سیاسی می‌باشند. استان‌های گلستان، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان و اردبیل دارای کمترین آمار اعتراضات سیاسی در کشور می‌باشند. استان‌های سمنان، یزد، قم، مرکزی، همدان، قزوین، همدان، کرمانشاه، خوزستان و بوشهر دارای اعتراضات سیاسی در حد متوسط در کشور می‌باشند. با توجه به بررسی‌های بدست آمده در نقشه اعتراضات سیاسی مشخص می‌شود که بالاترین تهدیدات از منظر اعتراضات سیاسی در استان تهران وجود دارد.

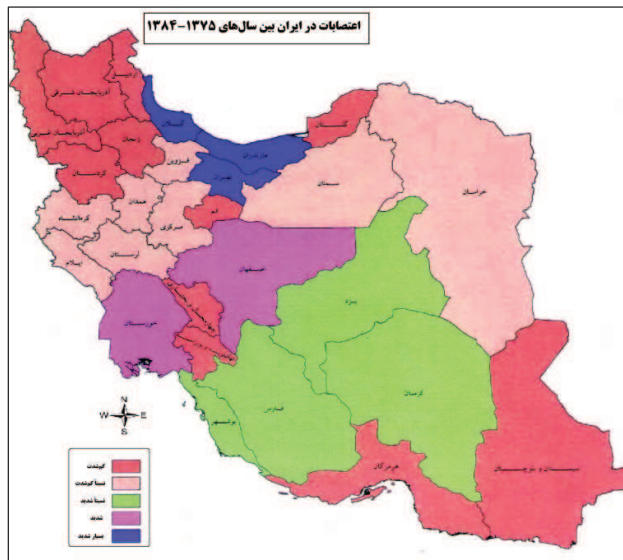


نقشه شماره ۷: اعتراضات سیاسی در کشور طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ بر حسب استان

منبع داده‌ها: (وزارت کشور، ۱۳۸۳ و معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵)

۳-۴- اعتصابات: اعتصابات نیز از پارامترهای تهدیدات سیاسی در کشور می‌باشد که به معنی تعدادی از افراد است که در مراکز تولیدی، خدماتی و صنعتی دارای خواسته‌هایی می‌باشند که از طریق دست‌کشیدن از کار و فعالیت مرتبط با آنها سعی در بدست آوردن اهداف مورد نظر

خود دارند. در صورت عدم برآوردن خواسته‌های مورد نظر اعتصاب‌کنندگان و تداوم روند اعتصاب توسط آنان سیستم اعتصاب‌کننده از مجرای تولیدی یا خدماتی خارج شده و در صورت سرایت آن به دیگر بخش‌ها کل سیستم سیاسی کشور را به چالش می‌کشد. بررسی داده‌های آماری اعتصابات در سال‌های آماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ در نقشه شماره ۸ نشان می‌دهد که استان‌های تهران، مازندران و گیلان دارای بالاترین آمار در کشور می‌باشند. استان‌های خوزستان و اصفهان پس از تهران در سطح بعدی قرار دارند. استان‌های یزد، کرمان، فارس و بوشهر دارای آمار اعتصابات در سطح متوسط می‌باشند. استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، گلستان، قم، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، هرمزگان و سیستان و بلوچستان نیز دارای کمترین آمار در کشور می‌باشند.

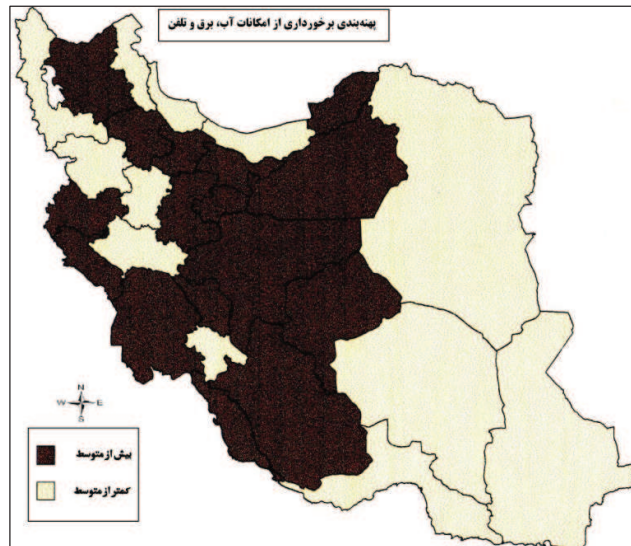


نقشه شماره ۸: میانگین اعتصابات در کشور بر حسب استان بین سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۴  
منبع داده‌ها: (وزارت کشور، ۱۳۸۳ و معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵)

۴. **تهدیدات اقتصادی:** در تهدیدات اقتصادی پارامترهایی چون توزیع منابع نفت و گاز و تهدیدات ناشی از آن به دلیل سهم بودن در بخش عمده‌ای از درآمدهای کشور از منابع مهم تهدید کشور می‌باشد و ضریب مکانی توزیع صنایع و سهم استان‌های مختلف که تهدیداتی را متوجه استان‌هایی خواهد کرد که از ضریب مکانی پایینی برخوردارند و قاچاق کالا به عنوان مهمترین بخش اقتصاد زیرزمینی که حیات اقتصاد ایران را هدف قرار داده است مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

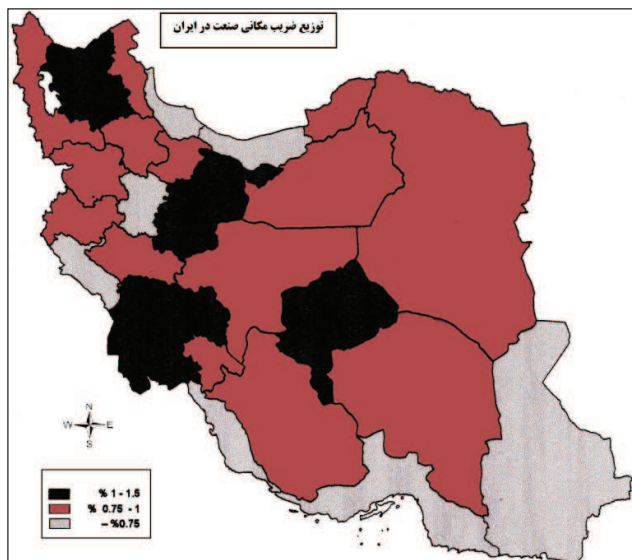
۴-۱- **تهدیدات ناشی از توزیع امکانات رفاهی:** پهنه‌بندی برخورداری از امکانات آب، برق و تلفن در نقشه شماره ۹ نشان می‌دهد که تمام استان‌های مرکزی ایران از سطح بالاتر از متوسط کشور برخوردار می‌باشند. از بین استان‌های مرزی کشور نیز استان‌های گلستان، آذربایجان شرقی، استان‌های کرمانشاه و ایلام و استان‌های بوشهر و خوزستان دارای امکانات آب، برق و تلفن بالاتر از سطح متوسط می‌باشند. استان‌هایی که دارای امکانات پایین‌تر از سطح متوسط کشور می‌باشند به جزء موارد فوق عمدتاً در حواشی مرزهای ایران واقع گردیده‌اند. در غرب استان‌های لرستان، همدان و کردستان جزو این استان‌ها می‌باشند. در شمال غرب استان‌های آذربایجان غربی و اردبیل و در نوار شمالی کشور استان‌های گیلان و مازندران چنین وضعیتی را دارا می‌باشند. در طول رشته‌کوه زاگرس به سمت جنوب غرب، استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از سطح پایین‌تر از متوسط امکانات کشور برخوردار می‌باشند. تمام استان‌های شرق و جنوب شرق ایران شامل سه استان خراسان شمالی، رضوی، جنوبی، استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان دارای امکانات پایین‌تر از سطح متوسط کشور می‌باشند.





نقشه شماره ۹: پهنه‌بندی مناطق برخوردار از امکانات منبع داده‌ها: <http://www.sci.org.ir>

۴-۲- تهدیدات ناشی از توزیع صنایع: ضریب مکانی توزیع صنایع در ایران در نقشه شماره ۱۰ نشان می‌دهد که بالاترین ضریب مکانی صنایع مربوط به استان‌های تهران، مرکزی و مناطق نفت‌خیز جنوب غرب است. استان کرمان به دلیل استقرار صنایع عمده پس از انقلاب و استان آذربایجان شرقی به دلیل استقرار صنایع خودروسازی و همچنین صنایع غذایی از ضریب مکانی بالایی برخوردار است. استان‌های ساحلی جنوب ایران، سیستان و بلوچستان، ایلام، همدان، مازنداران و گیلان دارای کمترین ضریب مکانی صنایع می‌باشند. گرچه پایین بودن ضریب مکانی صنایع در برخی از استان‌ها به دلیل اختصاص دیگر کارکردها است مانند استان‌های شمالی کشور به دلیل کارکردهای کشاورزی و زیست‌محیطی، اما برخی از استان‌ها همچون سیستان و بلوچستان و ایلام کمتر از سطح متوسط کشور است.



نقشه شماره ۱۰: توزیع ضریب مکانی صنایع در ایران

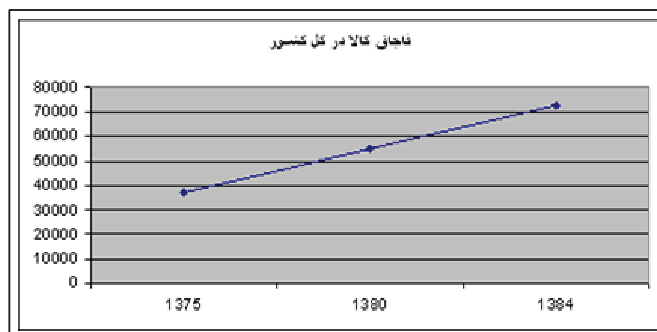
۴-۳- قاچاق کالا: قاچاق کالا گرچه یک پدیده تاریخی است اما با ابعاد مختلف آن، به عنوان یک تهدید در دهه‌های اخیر مطرح است که پیچیدگی‌ها و ابعاد آن موجب شده است با آنچه در گذشته وجود داشته، تفاوت نماید. این مساله باعث هدر رفتن بخش وسیعی از درآمدهای ارزی کشور از مبادی غیرقانونی شده و از سوی دیگر موجب ورشکستگی صنایع تولیدی داخلی می‌گردد. پیامدهای فراوان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی از پیامدهای دیگر آن است. جدول شماره ۲ نشان دهنده کل قاچاق صورت گرفته طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ است.

جدول شماره ۲: قاچاق کالا در استان‌های کشور بین سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴

سال استان	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۴	کل قاچاق در یک دهه	سال استان	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۴	کل قاچاق در یک دهه
آذربایجان شرقی	۳۸۸	۵۴۵	۴۷۸۲	۱۷۳۶۲	قزوین	۰	۷۸۴	۱۱۷۱	۶۹۶۶
آذربایجان غربی	۱۶۷۵	۹۰۰۴	۱۴۳۹۹	۸۳۸۶۶	قم	۳	۳۵۴	۴۹۹	۳۷۶۱
اردبیل	۱۷۹	۳۱۸	۳۷۲	۲۴۸۲	کردستان	۱۵۹۵	۹۷۴۴	۶۲۹۴	۶۵۴۰۳
اصفهان	۹۹۴	۵۱	۲۴۴	۸۱۶۷	کرمان	۲۷	۲۰۶	۱۶۵۱	۴۷۴۰
ایلام	۹۰	۱۵۴	۲۲۶	۱۴۲۱	کرمانشاه	۳۶۲	۳۴۸۸	۳۴۳۲	۲۶۳۹۳
بوشهر	۱۵۱۱	۴۸۳	۱۸۳۹	۱۰۲۷۶	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۱	۱۲۳	۱۹۶	۱۲۵۴
تهران	۶۴۴	۲۶۰	۵۱۶	۳۰۹۶	گلستان	۰	۴۹۳	۲۶۳	۱۲۵۹
چهارمحال و بختیاری	۰	۲۱	۳۱۷	۱۱۱۸	گیلان	۴۲۶	۸۱۶	۲۹۴	۱۴۰۵۶
خراسان	۳۶۷۲	۳۶۶۶	۱۴۰۰۴	۵۵۲۵۸	لرستان	۷۲	۴۸۰	۲۹۸	۲۹۷۷
خوزستان	۱۶۲۲	۸۰۳	۷۰۷	۱۰۷۸۳	مازندران	۱۰۸	۴۵۹	۳۱۰	۳۳۱۱
زنجان	۲۷۶	۵۱۴	۱۰۶۶	۶۴۸۰	مرکزی	۲۴۹	۱۴۰۹	۳۳۶	۶۶۸۰
سمنان	۱	۸۹	۱۲۹	۵۰۱	هرمزگان	۱۳۱۵۵	۱۱۷۸۲	۵۷۰۰	۱۰۵۲۹۳
سیستان و بلوچستان	۳۷۸۰	۳۲۲۸	۹۲۷۹	۷۲۰۸۲	همدان	۳۴۰	۱۹۷۱	۱۹۸۷	۱۶۴۷۲
فارس	۴۷۷۴	۲۷۵۶	۱۷۷۶	۴۰۹۳۲	یزد	۱۰۸۷	۹۶۰	۵۱۸	۹۲۴۹
کل کشور									
	۵۸۲۶۳۸	۷۲۶۱۲	۵۵۰۶۱	۳۷۱۳۱					

منبع: (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵)

نمودار شماره ۵ نشان دهنده سیر صعودی قاچاق کالا در ایران بین سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ است. در سال ۱۳۷۵ قاچاق کالا به میزان ۳۷۱۳۱ بود و این رقم در سال ۱۳۸۰ به ۷۲۶۱۲ و در سال ۱۳۸۴ به ۵۸۲۶۳۸ رسید.



نمودار شماره ۵: فاجاق کالا در ایران در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴

۴-۴ تهدیدات ناشی از توزیع منابع نفت و گاز: توزیع فضایی منابع نفت و گاز (نقشه شماره ۱۱) ناشی از ویژگیهای زمین‌شناسی و جغرافیای طبیعی ایران است و عوامل انسانی در آن دخیل نمی‌باشند. لیکن انسان با نوع برنامه‌ریزی و مدیریت آنها در توزیع محل استقرار صنایع تبدیلی این معادل دخالت دارد. اکثر معادن نفتی در حال استخراج ایران در بخش‌های نفت‌خیز جنوب و جنوب غرب واقع گردیده‌اند. معادن گازی نیز به تبعیت از معادن نفت به استثنای منابع گازی بخش‌های شمالی خراسان- در این بخش‌ها قرار گرفته‌اند. قرار گرفتن معادن نفت و گاز در بخش‌های جنوب و جنوب غرب ایران گرچه به دلیل نزدیکی به دریا، دارای سهولت ترانزیتی می‌باشند لیکن به دلیل نزدیکی به آبهای بین‌المللی و حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در آبهای خلیج فارس و در نزدیکی به این منابع، آسیب‌پذیر می‌باشند که در هر نوع سازمان‌دهی سیاسی فضا می‌بایست محل این منابع مورد توجه قرار گیرند.



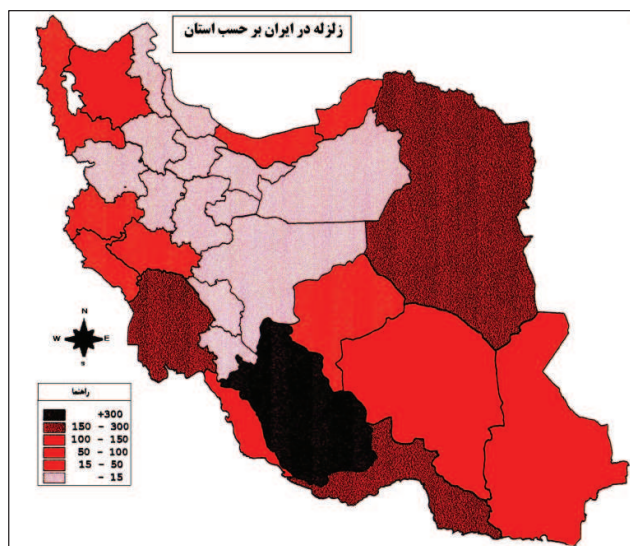
نقشه شماره ۱۱: توزیع فضایی منابع نفت و گاز ایران

### ب) تهدیدات طبیعی

تهدیدات طبیعی از ناسازگاری فرایندهای طبیعت زمین با انسان حاصل می‌گردد. زمانیکه مکان و موقعیت محل استقرار بشر در مسیر فرایندهای محیطی قرار بگیرد احتمال تهدید پدید می‌آید (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۶۳). حوادث طبیعی تشخیص داده شده در جهان بیش از چهل نوع می‌باشد که تاکنون بیش از ۳۰ مورد آن در ایران شناسایی شده که عبارتند از: زلزله، سیل، خشکسالی، روانگرایی، نوسانات زمین، روانه‌های گلی، زمین‌لغزه‌ها، ریزش‌ها، فرسایش خاکها، نفوذ و پیشروی آب دریا، دگرشکلی ساحلی، مرداب‌زدایی، کویرزایی، سرمازدگی و انجماد، بهم‌ن، طوفان، آلودگی آب و محیط و غیره (دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی وزارت کشور، ۱۳۷۳: ۳). از بین حوادث فوق زلزله، سیل و خشکسالی بیشترین فراوانی و در نتیجه بیشترین تهدید را دارند.

۱. زلزله و تهدیدات ناشی از آن: زلزله در نتیجه تغییر و تحولات دینامیکی در پوسته زمین ایجاد می‌شود. این نظریه مخصوصاً در منطقه زاگرس که پیدایش و تکامل آنرا نتیجه برخورد

سپهر عربستان با فلات ایران است مصداق پیدا می‌کند. فلات ایران تحت فشارهایی از جانب صفحه عربستان، به طرف صفحه توران قرار دارد. زلزله‌هایی که در ایران رخ می‌دهد معمولاً سطحی و کم‌عمق بوده و عمق متوسط آنها ۳۲ کیلومتر می‌باشد و به ندرت به عمقی بیش از ۵۰ کیلومتر می‌رسد از این رو خسارت فراوانی ایجاد می‌کنند (لشکری، ۱۳۷۹: ۵۳). بر اساس نقشه شماره ۱۲، یک دوره ۲۵ ساله وقوع زلزله در ایران را مورد بررسی قرار گرفته است. استان‌هایی که دارای بالاترین آمار زلزله در دوره مورد مطالعه بوده‌اند، استان فارس با ۳۲۲ مورد است. دیگر استان‌هایی که دارای بالاترین آمار زلزله‌اند، استان‌ها هرمزگان، خوزستان و خراسان می‌باشند. استان‌های مرکزی ایران نیز از جمله استان‌های تهران، سمنان، اصفهان و غیره دارای کمترین آمار وقوع زلزله در کشور می‌باشند.



نقشه شماره ۱۲: استان‌های زلزله‌خیز ایران بر اساس تعداد وقوع زلزله در استان

منبع داده‌ها: (لشکری، ۱۳۷۹: ۵۳)

۲. سیل و تهدیدات ناشی از آن: قرار گرفتن ایران در کمربند خشک و صحرایی نیمکره شمالی کره زمین باعث بروز ناپایداری و نابسامانی در روند ریزشهای جوی شده است که

یکی از نتایج آن همراه با کیفیت سطح زمین، بروز سیلابها در مناطق مختلف ایران بویژه در فصول زمستان و بهار می‌باشد. علاوه بر شرایط جوی عوامل دیگری نیز به بروز سیلاب در ایران کمک می‌نماید. نظیر خصوصیات فیزیکی حوضه، ویژگیهای رودخانه‌ها، خصوصیات خاک‌شناسی منطقه و نحوه استفاده از اراضی و پوشش گیاهی (ملکی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۴). سیل همه ساله در ایران اتفاق می‌افتد و بخشی از ثروتهای اندوخته را نابود کرده، منابع ملی را تخریب و از بین برده، قوه ملی را تضعیف کرده و روند توسعه را کند می‌نماید. آمار و اطلاعات موجود درباره حوادث سیل طی سالهای گذشته تهدیدات گسترده ناشی از آنرا بازگو می‌نماید (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: حوادث ناشی از سیل از دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰

دهه	تعداد وقوع سیلاب	تلفات انسانی	تعداد مجروحان	تعداد مساکن تخریب شده	تعداد راه‌های ارتباطی تخریب شده	تعداد دامهای تلف شده	مزارع تخریب شده
۳۰	۱۹۲	۶۳۷۲	۸۲	۳۱۹۶۲	۸۸۵	۳۳۰۷۵	۹۰۶۵
۴۰	۲۵۱	۶۱۲	۲۵۲	۳۵۳۹۳	۱۱۵۷	۴۵۱۵۷	۱۳۶۲۸
۵۰	۴۴۲	۸۶۷	۱۶۵	۴۳۹۳۲	۸۵۳	۷۳۸۱۲	۸۰۵۷۳
۶۰	۱۰۲۶	۲۶۲۸	۱۵۱۶	۶۵۷۶۹	۱۵۲۹۰	۲۳۲۰۸۳	۱۴۹۲۱۷
۷۰	۱۲۳۲۱	۵۳۶	۲۴۲	۸۲۲۸۸۳	۱۳۳۲۵	۳۷۰۱۳۶	۹۹۸۰۳۳

منبع: (امیری، ۱۳۸۵: ۳۱۷-۳۲۰)

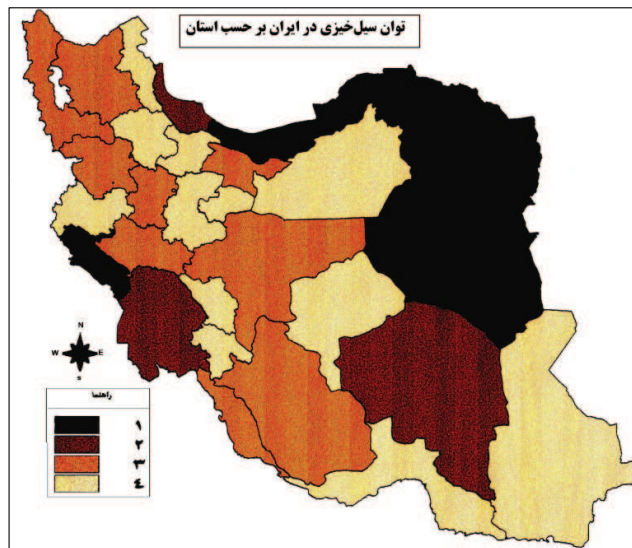
جدول شماره ۵ تعداد حوادث سیل را در استانهای ایران نشان می‌دهد. استان خراسان با تعداد ۳۴۹ در دوره آماری ۴۵ ساله ۱۳۳۱ تا ۱۳۷۵، بالاترین سهم را در کشور داراست و استان گیلان با تعداد ۲۲۰ سیل در رتبه دوم قرار گرفته است. نقشه شماره ۱۳ پراکندگی جغرافیایی و سهم هر یک از استانها را از کل سیل‌های اتفاق افتاده نشان می‌دهد. از مجموع استان‌های کشور، ۱۵ استان دارای توان سیل‌خیزی ضعیف، ۹ استان دارای سیل‌خیزی متوسط، ۳ استان دارای سیل‌خیزی زیاد و بقیه استانها دارای توان سیل‌خیزی بسیار بالا می‌باشند (جدول شماره ۵ و نقشه شماره ۱۳).

جدول شماره ۵: تعداد وقوع سیل خیزی استان‌های کشور

ردیف	استان	تعداد حوادث سیل	درصد از کل کشور	ردیف	استان	تعداد حوادث سیل	درصد از کل کشور
۱	آذربایجان شرقی	۱۱۱	۳/۹۸	۱۵	فارس	۱۳۹	۴/۹۸
۲	آذربایجان غربی	۱۰۲	۳/۶۶	۱۶	قزوین	۱۶	۰/۵۷
۳	اردبیل	۴۶	۱/۶۵	۱۷	کردستان	۱۳۰	۴/۶۶
۴	اصفهان	۱۳۶	۴/۸۸	۱۸	کرمان	۱۷۱	۶/۱۳
۵	ایلام	۵۱	۱/۸۳	۱۹	کرمانشاه	۶۲	۲/۲۲
۶	بوشهر	۹۶	۳/۴۴	۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۵۰	۱/۷۹
۷	تهران	۱۳۵	۴/۸۴	۲۱	گلستان	۲۲۰	۷/۹
۸	قم	۱۰	۰/۳۵	۲۲	گیلان	۵۴	۱/۹۳
۹	چهارمحال و بختیاری	۵۱	۱/۸۳	۲۳	لرستان	۸۵	۳/۰۵
۱۰	خراسان	۳۴۹	۱۲/۵	۲۴	مازندران	۱۵۴	۵/۵۲
۱۱	خوزستان	۲۰۲	۷/۲۵	۲۵	مرکزی	۴۲	۱/۵
۱۲	زنجان	۱۸	۰/۶۴	۲۶	هرمزگان	۵۴	۱/۹۳
۱۳	سمنان	۶۹	۲/۴۷	۲۷	همدان	۱۰۶	۳/۸۰
۱۴	سیستان و بلوچستان	۸۳	۲/۹۷	۲۸	یزد	۴۴	۱/۵۷

منبع: (لشکری، ۱۳۷۹)

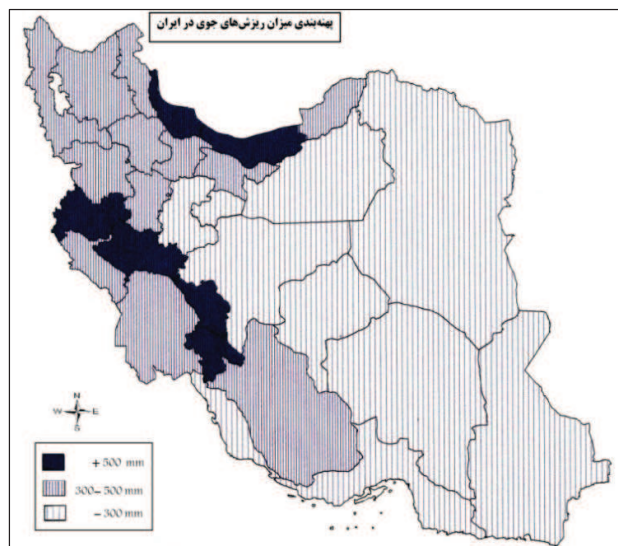




نقشه شماره ۱۳: توان سیل خیزی استانها ایران

۳. تهدیدات ناشی از خشکسالی: پدیده خشکسالی رابطه مستقیمی با ریزش‌های جوی و تبخیر سطحی دارد. توزیع جغرافیایی خشکسالی منطبق با ریزش‌های جوی در ایران از شرق به غرب و از شمال به جنوب گسترش می‌یابد. بررسی پهنه‌بندی بارش در ایران در نقشه شماره ۱۴ نشان می‌دهد که استان‌های شمالی ایران یعنی گیلان و مازندران بالاترین ریزش‌های جوی را در طول سال دارند. این مناطق بیشتر از ۵۰۰ میلیمتر بارش در سال جذب می‌نمایند. از اینرو با پدید خشکسالی مواجه نمی‌باشند. پس از مناطق شمالی ایران مناطقی که در طول رشته‌کوه زاگرس واقع شده‌اند با جذب بارش‌های حاصل از سد شدن این ارتفاعات و نزول ریزش‌های جوی کمترین خشکسالی را در کشور دارند. در این مناطق استان‌های کرمانشاه، لرستان، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد واقع شده‌اند. خشکسالی بیشتر در استان‌های شرقی و جنوب شرق حاکم می‌باشد. استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، سمنان، قم، مرکزی، اصفهان، هرمزگان و بوشهر که دارای ریزش‌های جوی کمی می‌باشند و کمتر از ۳۰۰ میلیمتر بارش را در طول سال جذب می‌نمایند دارای خشکسالی موقت یا

پایدار می‌باشند. از سوی دیگر کویرهای ایران در ناحیه مرکزی و شرقی باعث می‌گردند مقدار ریزش‌های کم حاصل از نزولات جوی بشدت تبخیر گردد و در لایه‌ها و سفره‌های زیرزمینی ذخیره نگردد. دیگر بخش‌های رشته کوه زاگرس و البرز و دامنه‌های آنها که بیشتر استان‌های آذربایجان غربی، شرقی، اردبیل، کردستان، همدان، زنجان، قزوین، تهران، ایلام، خوزستان و فارس را شامل می‌شوند دارای ریزش‌های جوی به میزان ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر در سال بودن و خشکسالی در این بخش‌های کشور به صورت پدیده غالب نمی‌باشد. بطور کلی خشکسالی در ایران نتیجه استقرار رشته‌کوه‌های البرز و زاگرس در بخش‌های شمالی و غربی ایران و نزول بسیاری از ریزش‌ها در این مناطق از یک سو و وجود کویرها و مناطق خشک در بخش‌های شرقی ایران از سوی دیگر موجب می‌گردد تا بیشترین آمار خشکسالی را در شرق و جنوب شرق ایران شاهد باشیم.



نقشه شماره ۱۴: پهنه‌بندی بارش در ایران

۴. سایر حوادث طبیعی در ایران: علاوه بر زلزله و سیل، حوادث مخرب دیگری نیز در ایران به وقوع می‌پیوندد که ریزش کوه، طوفان و گردباد، تگرگ، حریق جنگل و مرتع، حرکت

زمین، رعد و برق، رانش زمین، هجوم ملخ و غیره دارای تهدیداتی می‌باشند که در مورد هر نوع برنامه‌ریزی آمایشی می‌بایست مورد ملاحظه قرار گیرند.

### تجزیه و تحلیل

تهدیدات مورد مطالعه در این پژوهش به دو دسته تهدیدات با منبع و منشاء انسانی و تهدیدات با منبع و منشاء طبیعی تقسیم‌بندی گردید. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته نتایج مستخرج از تهدیدات به شرح ذیل است.

تهدیدات جمعیتی، تمرکز جمعیت در استان‌های تهران و شمالی کشور و همچنین در نقاط شهری خاص، عدم تعادل‌های فضایی را با پیامدهایی چون توزیع نامناسب فرصت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسائل ناشی از آن مواجه ساخته است. بررسی نمودارهای افزایش تعداد شهرها حاکی از افزایش بودجه جاری کشور است. از سوی دیگر نمودار تغییرات جمعیت شهری و روستایی حاکی از افزایش شتاب‌گونه جمعیت شهری و کاهش شدید جمعیت روستایی در مدت زمان اندکی را می‌رساند که تبعات آن نیز بویژه در حواشی شهرهای پرجمعیت در زاغه‌نشینی و آلودگی‌نشینی همراه با جمعیت شاغل کاذب و بسیاری از این مسائل است. توزیع جمعیت شهری در استان‌های ایران نشان می‌دهد که اغلب استان‌های مرکزی از جمعیت شهری بالایی برخوردار بوده و استان‌های پیرامونی جمعیت شهری تعداد کمتری را دارا می‌باشند از این رو عدم تعادل جمعیت در این بخش نیز شاهد هستیم، هرچند در این خصوص نباید از پتانسیل‌های طبیعی جاذب جمعیتی در عرض‌های بالای ۳۵ درجه غافل بود که بیشتر بر مناطق پرجمعیت کنونی ایران منطبق است. بررسی توزیع جمعیت در بخش‌های اقتصادی طی سرشماری‌های متوالی نشان از کاهش جمعیت بخش کشاورزی به عنوان بخش‌زیربنایی رشد در اقتصاد کشورهای جهان سوم، و افزایش بخش خدمات بویژه در بخش‌های داد و ستدهای کم‌بازده در ایران است.

در ارتباط با منابع تهدید قومی با تکیه بر عوامل تشدیدکننده تهدید همچون عدم تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بیشترین منابع قومی بسته به زمان و عوامل تشدیدکننده

آن و همچنین عملکرد حکومت مرکزی متفاوت می‌باشد لیکن در هر نوع سازماندهی سیاسی فضا می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

در ارتباط با تهدیدات سیاسی و اجتماعی در ایران متغیرهای منازعات مسلحانه، اعتیاد، اعتراضات سیاسی و اعتصابات، در مجموع استان تهران بالاترین ضریب تهدید نسبت به دیگر استان‌ها در کشور کسب نمود.

در ارتباط با تهدیدات اقتصادی، در متغیر قاچاق کالا استان‌های مبادی ورودی و خروجی کالا در مرزهای جنوبی و غربی و پس مرزهای شرقی کشور دارای بالاترین آمار می‌باشند که در این میان استان هرمزگان و آذربایجان غربی دارای بالاترین آماری قاچاق در کشور می‌باشند. در متغیر توزیع امکانات آب، برق و تلفن استان‌های مرکزی و جنوب غربی ایران از میانگین کشور بیشتر بوده و استان‌های شرقی و شمال غربی کشور از میانگین کمتر برخوردار می‌باشند. نقشه توزیع صنایع در ایران نیز حاکی از تمرکز صنایع در استان‌های مرکزی (تهران، اصفهان، کرمان، یزد) و استان‌های خوزستان و آذربایجان شرقی است.

در ارتباط با تهدیدات طبیعی متغیر زلزله، سیل و خشکسالی مورد مطالعه قرار گرفت که در متغیر زلزله با توجه به تعداد وقوع آن بر حسب استان بیشترین تهدید را در استان‌های منطبق با رشته‌کوه‌های زاگرس و البرز و در محل گسل‌های فعال در ایران شاهد هستیم. در ارتباط با سیل نیز استان‌های شمالی کشور شامل گیلان، مازندران، گلستان خراسان شمالی، خوزستان و ایلام دارای بالاترین فراوانی در کشور می‌باشند. تهدید ناشی از خشکسالی نیز بطور کلی در بخش‌های شرقی ایران بارز می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

بررسی منابع تهدیدات فوق‌الذکر در ایران نشان از تعدد منابع تهدید بویژه در بخش انسان‌ساخت و همچنین طبیعی است. جغرافیایی انسانی ایران از یک سو و عدم سازماندهی سیاسی فضا در طول تاریخ ایران و بویژه پس از شکل‌گیری دولت مدرن، موجب ایجاد عدم تعادل‌های جغرافیایی به لحاظ انسانی شده است و تهدیداتی را شکل داده است که در این پژوهش از آن به عنوان تهدیدات انسان‌ساخت نام برده شد.

در بخش تهدیدات طبیعی، ویژگیهای جغرافیای طبیعی ایران زمینه‌ساز این نوع تهدیدات بوده است که بر سازماندهی سیاسی فضا متناسب با شرایط و ویژگیهای طبیعی از شدت این نوع تهدیدات کاست.

بطور کلی منابع تهدید انسان‌ساخت و طبیعت‌ساخت هنگامی که در ارتباط با دیگر مسائل قرار گیرند و مدیریت سیاسی کشور نتواند این مسائل را به‌صورت بنیادی سازماندهی نماید، منجر به ایجاد چالش در سطح ملی می‌گردند. از آنجا که سازماندهی سیاسی فضا بدون لحاظ کردن منابع تهدید خود منجر به ایجاد تهدید می‌گردد، لذا در هر نوع سازماندهی سیاسی فضا می‌بایست بر اساس شناخت منابع تهدید به سازماندهی سیاسی فضا پرداخت.

از آنجا که در هر نوع سازماندهی سیاسی فضا در ایران شرایط جغرافیای طبیعی ایران متنوع و ناپایدار و ویژگی‌های انسانی - اجتماعی و فرهنگی جمعیت ساکن در آن متنوع‌تر می‌باشد، بیشترین تهدیدات ناشی از فقدان مدیریت سیاسی فضا است که چارچوب مشخص و روشنی را در چشم‌انداز رفع منابع تهدید و استقرار فضایی مناسب در این ارتباط سازمان‌دهی نکرده است. لذا منابع تهدید انسانی به‌صورت بسیار متغیر گاهی اوقات زمینه‌ساز تغییر در ساختار حکومت شده‌اند و منابع تهدید طبیعی نیز بستر ساز فجایع طبیعی گسترده در پهنه جغرافیایی ایران شده‌اند.

## منابع

۱. ابوطالبی، علی (۱۳۷۸)، حقوق قومی، اقلیتها و همگرایی؛ ترجمه: علی کریمی مله، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره ۱، پاییز.
۲. احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۷)، جزوه درسی سازماندهی سیاسی فضا؛ منتشر نشده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، ظرفیت طبیعی امنیت: مورد مطالعاتی قومیتی و خشونت در ایران؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
۴. افروغ، عماد و رضوانی، محمدرضا (۱۳۷۹)، مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری؛ گزارش نهایی مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.
۵. امیری، عبدالرضا (۱۳۸۵)، طرح تحقیقاتی ماهیت‌شناسی بحرانهای طبیعی با رویکرد امنیتی انتظامی؛ تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای نیروی انتظامی.
۶. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۷۸)، ناامنی طبیعی و بازدارندگی توسعه: مورد ایران؛ مجموعه مقالات همایش پژوهشها و قابلیت‌های جغرافیا در عرصه سازندگی، تهران: دانشگاه امام حسین.
۷. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران؛ تهران: سمت.
۸. حافظنیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۴)، قومیت و سازمان‌دهی سیاسی فضا: مورد غرب و شمال غرب ایران؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره دوم، زمستان.
۹. چگینی، عباس (۱۳۷۳)، اطلاعات استراتژیک؛ تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۱۰. دفتر امور اجتماعی وزارت کشور (۱۳۸۳)، روند تغییرات آسیب‌های اجتماعی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱؛ تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
۱۱. رومینا، ابراهیم (۱۳۸۲)، پارادایمی نو در هویت ملی با تأکید بر پراکنش فضایی اقلیتها در ایران؛ مجموعه مقالات همایش سیاستها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۲. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان؛ دانشنامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس رشته جغرافیای سیاسی.
۱۳. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری، مطالعات سیاسی - امنیتی؛ مرحله اول، مطالعات ملی، وزارت کشور، معاونت امور سیاسی.
۱۴. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران؛ جلد نخست: وضع موجود، تهران: انجمن جغرافیایی ایران.
۱۵. لشکری، حسن (۱۳۷۹)، گزارش مرحله اول مطالعه طرح جامع تقسیمات کشوری: اقلیم و بلایای طبیعی؛ تهران: وزارت کشور.
۱۶. محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۷)، نقش نواحی بحرانی در جهت‌گیری استراتژی ملی (کردستان)؛ دانشنامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس رشته جغرافیای سیاسی.

۱۷. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، تهران.
۱۸. معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۸۵)، آمار و اطلاعات گزارش‌های منتشر نشده.
۱۹. ملکی بیگدلی، امیر (۱۳۷۵)، سالنامه سیل ۷۴-۷۵؛ تهران: دفتر مطالعات و آبخیزداری وزارت جهاد کشاورزی.
۲۰. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه: دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
21. Short, J. R. (1982), an Introduction to Political Geography; Routledg: London.